تأثیرات بی‌ثباتی نرخ ارز بر بخش تولید

الهه رحیم‌دوست[1]

چکیده

حساسیت صنایع تولیدی به نرخ ارز به دلیل وابستگی به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به‌گونه‌ای است که هرگونه بی‌ثباتی و نوسان شدید در نرخ ارز، با اثرگذاری در قیمت نهایی کالاها و در نتیجه، افزایش نرخ تورم در کشور، به مصرف‌کننده منتقل می‌شود و از رفاه اقتصادی خانوارها می‌کاهد. بررسی سابقه چهارساله کشور نشان می‌دهد که نرخ ارز در ایران به دلیل برخی مناسبات سیاسی داخلی و خارجی و در رأس آنها، تحریم‌های ظالمانه دستخوش نوسانات شدید شده است. این در حالی است که افزایش نرخ ارز موجب رواج سفته‌بازی و خروج سرمایه از بخش‌های مولد و تولیدی کشور می‌شود و این موضوع، ناامنی اقتصادی و ملی را از کانال‌هایی مانند کاهش رفاه اقتصادی خانوارها، افزایش نارضایتی عمومی، افزایش شمار بیکاران، کاهش امنیت غذایی و... در پی دارد. ازاین‌رو، پیشنهاد می‌شود به‌منظور بهبود وضعیت نرخ ارز در کشور، دولت با ایجاد زمینه‌های رونق تولید داخلی، تعدیل پیوسته نرخ ارز با شاخص‌های اقتصادی، مدیریت واردات کالاها به کشور، کاهش وابستگی به کالاهای وارداتی، کنترل و مدیریت انتظارات جامعه، مبارزه با سوداگری در بازار ارز و... در راستای ثبات‌بخشی به نرخ ارز در کشور اقدام کند.

واژگان کلیدی: نرخ ارز، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، سفته‌بازی، سوداگری، تولید، ناامنی اقتصادی، بی‌ثبانی اقتصادی.

مقدمه

یکی از مسایلی که در همه دوره‌ها در محافل علمی و سیاست‌گذاری اقتصاد ایران به‌عنوان یک چالش اساسی از آن یاد شده، نحوه تعیین نرخ ارز و کنترل آثار ناشی از بی‌ثباتی آن بر بخش‌های مختلف اقتصادی در کشور است. برآیند آثار ناشی از تغییرات نرخ ارز می‌تواند عملکرد اقتصادی کشور را تحت تأثیر مثبت یا منفی قرار دهد. با توجه به اینکه تعیین نرخ ارز در کشور می‌تواند نقش مؤثری در صادرات و واردات کالاها داشته باشد ازاین‌رو، می‌توان گفت، تعدیل تراز تجاری و تراز پرداخت‌های کشور نتیجه نحوه تغییرات نرخ ارز است. همچنین اهمیت نرخ ارز به‌حدی است که می‌توان گفت، این عامل با نوسانات خود می‌تواند قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی را در مقابل رقبای خارجی و داخلی در بازارهای داخلی و خارجی تعیین کند که این موضوع به تعیین میزان تولید و اشتغال در کشور می‌انجامد. از سوی دیگر، تعیین نرخ ارز در کشور می‌تواند بر سطح عمومی قیمت‌ها و تورم اثرگذار باشد. این در حالی است که افزایش نرخ تورم با افزایش قیمت تمام‌شده کالاها از قدرت خرید خانوار می‌کاهد که این موضوع موجب کاهش رفاه اقتصادی خانوارها می‌شود.(الحسینی، غنی‌نژاد اهری و زمان‌زاده، ۱۳۹۱)

با توجه به اهمیت تعیین نرخ ارز در کشور و اثرگذاری آن بر متغیرهای کلان اقتصادی، چنانچه نرخ ارز در کشور بی‌ثبات باشد، می‌توان انتظار هرگونه بی‌ثباتی را در سایر بخش‌های اقتصادی داشت و در نتیجه، کشور با عدم تأمین امنیت اقتصادی روبه‌رو می‌شود. ازاین‌رو، در این گزارش

۱. پژوهشگر گروه اقتصاد مقاومتی و برآورد اقتصادی، مرکز پژوهشی امنیت اقتصادی تدبیر، تهران، ایران rahimdoust_82@yahoo.com

پس از تبیین جایگاه نرخ ارز در اقتصاد و تولید، به بررسی تأثیر نوسانات نرخ ارز بر بخش تولید کشور می‌پردازیم و با بیان تبعات امنیت اقتصادی ناشی از بی‌ثباتی نرخ ارز بر کشور، برخی راهکارهای پیشنهادی را ارایه می‌دهیم.

۱- جایگاه ارز در اقتصاد و تولید

نرخ ارز در ایران طی سال‌های اخیر، تغییر و تحولات زیادی را تجربه کرده است. بررسی سابقه نرخ ارز نشان می‌دهد، نظام ارزی در اقتصاد کشور تا سال ۱۳۸۰ از یک نظام دونرخی که شامل نرخ ارز رسمی (ثابت) و یک نرخ ارز غیررسمی (بازار آزاد) بوده، تبعیت کرده است، اما از سال ۱۳۸۱ با اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، نظام ارزی در کشور به تک‌نرخی شناور مدیریت‌شده تغییر یافت (فرجی‌راد، صالحیان ۱۳۹٤)، به‌طوری که اختلاف بین نرخ ارز رسمی و غیررسمی بسیار ناچیز بود. در سال ۱۳۸۹، به دلیل تورم بالا در کشور فاصله بین نرخ ارز رسمی و غیررسمی رو به افزایش گذاشت. بنابراین، نگاهی به گذشته نظام ارزی در کشور نشان از بی‌ثباتی در رویه نظام ارزی دارد تا حدی که برخی کارشناسان معتقدند، اقتصاد ایران از نظام ارزی خاصی پیروی نمی‌کند (اسدپور، ۱۳۹٦، ص. ۱۲).

یکی از مسایل مهم در نظام ارزی که می‌تواند موجب نوسانات شدید در نرخ ارز یک کشور شود، منبع تأمین‌کننده ارز در آن کشور است، به‌طوری که هرچه منابع تأمین‌کننده ارز در یک کشور از ثبات کمتری برخوردار باشند، شاهد بروز نوسانات بیشتری در نرخ ارز آن کشور خواهیم بود. در بازار ارز ایران علاوه بر ارز حاصل از صادرات غیرنفتی، مهم‌ترین منبع تأمین‌کننده ارز، درآمد حاصل از صادرات نفت است. البته، باید توجه کرد که درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفتی به‌طور مستقیم وارد بازار ارز کشور نمی‌شود، بلکه از طریق سیاست‌های ارزی اعمال شده توسط بانک مرکزی و دولت عرضه ارز در اقتصاد کشور صورت می‌پذیرد. بنابراین، نحوه مدیریت درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت توسط دولت و بانک مرکزی نقش زیادی در تعیین نرخ ارز و کنترل نوسانات این بازار دارد. ازاین‌رو، نگاهی به تحولات بازار ارز طی سال‌های اخیر می‌تواند گویای نحوه تغییرات این متغیر در اقتصاد کشور باشد. به همین منظور در نمودار شماره ۱، نرخ ارز کشور طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ به صورت فصلی آمده است.

نمودار ۱- متوسط نرخ فروش ارز در بازار آزاد

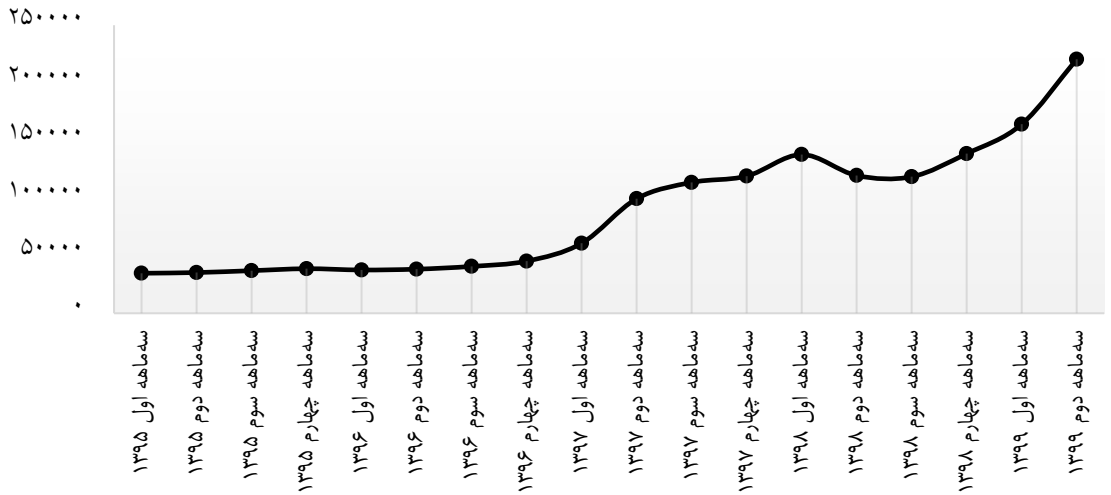

مآخذ: بانک مرکزی و شبکه اطلاع‌رسانی طلا، سکه و ارز تهران.

همان‌طور که در نمودار شماره ۱، مشاهده می‌شود، طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۶ شاهد روند رو به صعود نرخ ارز در کشور بودیم، به‌طوری که هر دلار آمریکا در سه‌ماهه ابتدای سال ۱۳۹۵ به‌طور میانگین از ۳۴۷۳۲ ریال به ۴۵۲۴۹ ریال در سه‌ماهه پایانی سال ۱۳۹۶ رسید. به عبارت دیگر، نرخ ارز در کشور طی سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶، از رشد ۳۰ درصدی برخوردار بود. شاید بتوان دلایل این کاهش ارزش پول ملی را این‌گونه توجیه کرد که در سال ۱۳۹۶ بانک مرکزی با ابلاغ نرخ دستوری سود حساب‌های بانکی، بانک‌های کشور را ملزم کرد تا به کاهش سود سپرده‌های خود اقدام کنند. این موضوع موجب شد بسیاری از سپرده‌گذاران دارایی‌های پولی خود را به بازارهای موازی از جمله ارز ببرند و در نتیجه این اقدام، تقاضای ارز در کشور رو به ازدیاد گذاشت و شاهد افزایش قیمت ارز در کشور بودیم. همچنین برخی اخبار مبنی‌بر خروج آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران و ایجاد برخی نااطمینانی‌ها در این حوزه را می‌توان دلیل قطعی دیگری دانست که موجب روند رو به صعود نرخ ارز در کشور شد.

در بررسی نرخ ارز در سال ۱۳۹۷ نیز شاهد شروع یک بحران ارزی در کشور بودیم، به‌طوری که نرخ تسعیر ارز در سه‌ماهه ابتدایی سال به ۶۰۷۳۸ ریال و در سه‌ماهه پایانی سال به ۱۱۹۰۲۶ ریال رسید. از جمله دلایل رشد نرخ ارز در این دوره را می‌توان در دو بخش شامل: عوامل اثرگذار بر افزایش تقاضای ارز و عوامل اثرگذار بر کاهش عرضه ارز طبقه‌بندی کرد. تصمیم بانک مرکزی به اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز (برمبنای آن نرخ برابری دلار به ریال معادل ۴۲۰۰۰ ریال اعلام و خریدوفروش ارز با نرخی غیر از آن ممنوع شد) و در نتیجه، وجود اختلاف قیمت بین نرخ ارز رسمی و غیررسمی که زمینه ایجاد رانت و در نتیجه، رشد تقاضا برای ثبت سفارش کالاهای وارداتی را در کشور فراهم آورد، یکی از دلایل جهش تقاضا در بازار ارز بود، همچنین رشد بالای نقدینگی در اسفند ۱۳۹۶ نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن تقاضا برای خرید ارز را در کشور افزایش داد. خروج آمریکا از برجام و اعمال مجدد تحریم‌ها از مرداد ۱۳۹۷ یکی دیگر از عوامل اصلی اثرگذار بر افزایش نرخ ارز از سمت تقاضا در سال ۱۳۹۷ بود.

در طرف عرضه نیز به نظرمی‌رسد سه عامل کلیدی اثرگذاری بیشتری بر افزایش قیمت دلار در بازار غیررسمی ارز داشته است. اعمال محدودیت در انتقالات ارزی و عدم امکان برقراری روابط کارگزاری با بانک‌های بین‌المللی از جمله دلایل کاهش عرضه ارز در کشور بود. همچنین الزام صادرکنندگان کالاهای غیرنفتی به فروش ارز حاصل از صادرات به بانک مرکزی با نرخ اعلامی (۴۲۰۰۰ ریال) این بانک و اطاعت نکردن صادرکنندگان از نرخ تکلیفی، موجب کاهش عرضه ارز از سمت صادرکنندگان غیرنفتی به کشور شد. از سوی دیگر، افزایش هزینه نقل‌وانتقالات ارزی به دلیل تشدید سخت‌گیری برخی کشورها به بهانه اجرا نشدن قوانین FATF در ایران از دیگر عواملی بود که افزایش قیمت دلار را در کشور تشدید کرد. بنابراین،

همه عوامل یادشده موجب شد در سال ۱۳۹۷ شاهد رشد حدود ۹۶ درصدی نرخ ارز در کشور باشیم.

از جمله اقدام‌های دولت به‌منظور ساماندهی بازار ارز و ایجاد تعادل در عرضه و تقاضای ارز در این سال، می‌توان به راه‌اندازی بازار ثانویه ارز در تیرماه اشاره کرد. در این بازار، صادرکنندگان کالاهای غیرنفتی باید تا یک‌پنجم ارز صادراتی خود را با قیمت توافقی به فروش می‌رساندند که خرید ارز نیز برای واردات کالاهای با اولویت سوم، یعنی کالاهای مصرفی مقدور بود. این موضوع به همراه عقب‌نشینی ترامپ و دعوت ایران به مذاکره موجب شد نرخ ارز در کشور کمی کاهش یابد. همچنین اعلام بسته جدید ارزی دولت در اواسط مرداد و آغاز به کار مجدد صرافی‌ها موجب شد کمی از التهاب بازار ارز در آن زمان کاسته شود.

نرخ ارز در سال ۱۳۹۸ نیز با افت‌وخیزهایی همراه بود، به‌طوری که در سه‌ماهه ابتدایی این سال، نرخ ارز به‌طور میانگین به رقم ۱۳۷۷۵۳ ریال رسید. هرچند در سه‌ماهه دوم و سوم این سال میانگین نرخ ارز با کاهش مواجه شد، اما در سه‌ماهه پایانی این سال شاهد نرخ ۱۳۸۵۳٤ ریال برای هر دلار در کشور بودیم. شاید بتوان دلایل اثرگذار بر نرخ ارز را در این دوره، افزایش تحریم‌های بین‌المللی در فروش نفت و در نتیجه، کاهش درآمدهای ارزی دانست. از آنجا که نرخ ارز در ایران علاوه بر رویدادها و تحولات داخلی از رویدادهای سیاسی و اقتصادی بین‌المللی نیز تأثیر می‌پذیرد، ازاین‌رو، برخی ناملایمات سیاسی در حوزه نظامی در اواخر سال ۱۳۹۸ و ترور شخصیت‌های نظامی کشور، همچنین تهدید پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای همسایه از جمله عراق، توسط ایران به نابسامانی در بازارهای موازی مانند بازار بورس منجر شد که این موضوع نیز موجب افزایش تقاضا برای دلار و در نتیجه، افزایش نرخ ارز شد. یکی دیگر از عواملی که توانست بر شدت افزایش نرخ ارز در کشور بیفزاید تنش ناشی از همه‌گیری ویروس کرونا در کشور و جهان بود. کاهش درآمدهای صادراتی به دلیل محدودیت‌های صادراتی دلیل دیگری برای کاهش عرضه ارز در کشور و به‌تبع، افزایش قیمت آن است که این موضوع همچنان آثار خود را بر بازار ارز خواهد گذاشت. در بررسی روند نرخ ارز در شش‌ماهه نخست سال ۱۳۹۹ نیز شاهد رشد ۱۸ درصدی نرخ ارز در سه‌ماهه ابتدای سال ۱۳۹۹ در مقایسه با سه‌ماهه چهارم سال ۱۳۹۸ در کشور بوده‌ایم. همچنین در سه‌ماهه دوم سال جاری نرخ ارز در مقایسه با سه‌ماهه ابتدایی سال ۱۳۹۹ از رشد ۳٤ درصدی برخوردار بوده است. این در حالی است که از مقایسه نرخ رشد ارز کشور در سه‌ماهه دوم سال جاری با سه‌ماهه دوم سال ۱۳۹۸ می‌توان شاهد رشد ۸٤ درصدی نرخ ارز در کشور بود. شاید بتوان یکی از دلایل اصلی این افزایش نرخ ارز را پوشش کسری بودجه دولت از محل نوسانات نرخ ارز و جذابیت این بازار برای دولت برشمرد. همچنین فعالیت گسترده سفته‌بازان در بازار ارز از دیگر عوامل اثرگذار بر روند افزایشی نرخ ارز بوده است.

رشد نقدینگی در کشور و کاهش بازدهی در بازارهای موازی، به‌خصوص در سه‌ماهه دوم سال در افزایش نرخ ارز در کشور بی‌تأثیر نبوده است.

نگاهی به روند طی شده در بازار ارز کشور نشان می‌دهد که بازار ارز در کشور از سال ۱۳۹۶ تاکنون به‌رغم اجرای برخی سیاست‌های دولت به‌منظور ساماندهی و نظارت و کنترل این بازار همچنان دارای نوسانات زیادی است و همواره شاهد رشد مثبت نرخ ارز در کشور طی سال‌های مورد بررسی بوده‌ایم. این در حالی بوده که اهمیت نرخ ارز در اقتصاد به‌حدی است که وجود نوسانات زیاد در این نرخ می‌تواند از کانال‌های مختلف اقتصاد کشور را تحت تأثیر شدید قرار دهد. اهمیت تغییر در نرخ ارز از آنجا مشخص می‌شود که هرگونه تغییر در نرخ تسعیر ارز می‌تواند باعث ایجاد ناآرامی‌هایی در نرخ ارز بازار آزاد، گسترش سفته‌بازی، ایجاد محدودیت در تجارت خارجی و همچنین تعمیق رکود در بخش تولید کشور شود. می‌توان یکی دیگر از آثار تغییر نرخ ارز را افزایش تورم از طریق افزایش نقدینگی به دلیل افزایش پایه پولی و تزریق پول پرقدرت از سوی بانک مرکزی دانست. بنابراین، نرخ ارز را می‌توان به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد دانست که می‌تواند با نوسانات خود همه بخش‌های اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار دهد. دراین‌بین، بخش تولید که زمینه‌ساز سایر فعالیت‌های غیرتولیدی مانند خدماتی و... است، اهمیت بیشتری دارد که در ادامه، به بررسی تأثیر نرخ ارز و نوسانات آن بر بخش تولید کشور می‌پردازیم.

افزایش لجام‌گسیخته نرخ ارز و بی‌ثباتی در این بازار هرچند می‌تواند تا حدودی جلوی افزایش ورود کالاهای مصرفی را به کشور بگیرد، اما از آنجا که تولید کالاهای صادراتی در ایران به‌نوعی به واردات وابسته است، به همین دلیل، افزایش نرخ ارز و نوسانات شدید آن به بخش تولید آسیب‌های زیادی می‌زند.

۲- تأثیر نوسانات نرخ ارز بر بخش تولید

تغییرات نرخ ارز از راه‌های مختلف می‌تواند بر بخش تولید کشور اثرگذار باشد. اثر تغییر نرخ ارز بر بخش تولید برآیند اثرات مختلفی است که از دو کانال استفاده از ظرفیت تولیدی موجود و ایجاد ظرفیت جدید تولیدی متوجه این بخش می‌شود. کاهش نرخ ارز باعث می‌شود تا با افزایش قیمت کالاهای صادراتی و کاهش قیمت کالاهای وارداتی تقاضا برای کالاهای وارداتی رو به افزایش بگذارد و شاهد ورود بیشتر کالاهای وارداتی به کشور باشیم، این موضوع به کاهش تقاضا برای کالاهای داخلی و در نتیجه، عدم استفاده از ظرفیت کامل تولیدی در بخش تولید منجر خواهد شد. بنابراین، کاهش نرخ ارز به دلیل عدم استفاده از ظرفیت کامل تولیدی موجب افزایش آسیب‌پذیری بخش تولید و در نهایت، عدم استفاده از نیروی کار در این بخش می‌شود.

در مقابل، افزایش نرخ ارز با افزایش قیمت کالاهای وارداتی و کاهش قیمت کالاهای صادراتی میزان تقاضا برای کالاهای تولید داخل را چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور افزایش می‌دهد و موجب استفاده از تمام ظرفیت‌های تولیدی داخل کشور می‌شود. این موضوع موجب افزایش بهره‌وری در بخش تولید کشور و افزایش اشتغال می‌شود. بنابراین، تغییرات نرخ ارز از کانال استفاده از ظرفیت‌های تولیدی بر بهره‌وری تولید و اشتغال تأثیرگذار خواهد بود.

یکی دیگر از آثار تغییر نرخ ارز بر بخش تولید را می‌توان فراهم آوردن زمینه رشد یا تضعیف ظرفیت‌های جدید تولیدی دانست. کاهش نرخ ارز به دلیل کاهش توان رقابتی تولیدکنندگان داخلی در مقابل خارجیان به دلیل کاهش قیمت کالاهای وارداتی و در مقابل، افزایش قیمت کالاهای صادراتی موجب کاهش بازدهی در درآمد و سرمایه‌گذاری در داخل می‌شود. این در حالی است که این کاهش موجب افت قیمت کالاهای وارداتی واسطه‌ای و سرمایه‌ای می‌شود و در نتیجه، با کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری، افزایش بازدهی سرمایه‌گذاری و در نتیجه، افزایش سرمایه‌گذاری را در پی دارد. بنابراین، برآیند این دو اثر می‌تواند نحوه اثرگذاری تغییر نرخ ارز را بر تولید کشور نمایان سازد، به نظر می‌رسد در کوتاه‌مدت شاهد اثرگذاری مثبت کاهش نرخ ارز بر بخش تولید باشیم، اما در بلندمدت اثر منفی کاهش نرخ ارز بر بخش تولید کشور غالب خواهد شد.

بنابراین، در مجموع، می‌توان گفت، کاهش نرخ ارز در کوتاه‌مدت به دلیل کاهش استفاده از ظرفیت‌های موجود بر تولید کشور اثر منفی دارد، اما از مسیر ایجاد ظرفیت‌های جدید تولیدی اثر مثبتی را بر بخش تولیدی می‌گذارد. این در حالی است که در بلندمدت کاهش نرخ ارز هم از مسیر کاهش استفاده از ظرفیت‌های موجود و هم از مسیر کاهش ایجاد ظرفیت‌های جدید تولیدی موجب تضعیف بخش تولید و اشتغال می‌شود.

در اقتصادهای درحال‌توسعه میزان اثرگذاری نرخ ارز بر سرمایه‌گذاری و ایجاد ظرفیت‌های جدید تولیدی به میزان وابستگی آنها به کالاهای واسطه‌ای وارداتی بستگی دارد. بنابراین، با توجه به اینکه اقتصاد ایران طی سال‌های متمادی با تحریم‌های بین‌المللی، به‌خصوص تحریم در حوزه واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای مواجه بوده است، ازاین‌رو، کاهش نرخ ارز نمی‌تواند راهگشای ورود کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به کشور باشد. تجارب سال‌های دهه هشتاد در کشور نشان می‌دهد، پایین بودن نرخ ارز به ورود افسارگسیخته کالاهای مصرفی به داخل کشور و ضربه سنگین این واردات به توان اقتصادی کشور منجر شد تا جایی که بخش تولید توان مقابله با کالاهای مشابه خارجی را در کشور نداشت و ازاین‌رو، شاهد تعطیلی بسیاری از واحدهای تولیدی و در نتیجه، بیکاری خیل عظیمی از جمعیت جویای کار در کشور بودیم. افزایش لجام‌گسیخته نرخ ارز و بی‌ثباتی در این بازار هرچند می‌تواند تا حدودی جلوی افزایش ورود کالاهای

مصرفی را به کشور بگیرد، اما از آنجا که تولید کالاهای صادراتی در ایران به‌نوعی به واردات وابسته است، به همین دلیل، افزایش نرخ ارز و نوسانات شدید آن به بخش تولید آسیب‌های زیادی می‌زند. به همین دلیل، در این بخش به بررسی کانال‌های تأثیر بی‌ثباتی نرخ ارز بر بخش تولید کشور می‌پردازیم.

۲-۱- افزایش هزینه‌های تولید

با توجه به اینکه یکی از اهداف اصلی اسناد بالادستی کشور، رسیدن به رشد اقتصادی بالا و بهره‌مندی از افزایش قدرت اقتصادی در بین کشورهای منطقه است، ازاین‌رو، می‌توان گفت، یکی از راه‌های رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی در کشور تقویت توان صادراتی، به‌خصوص صادرات غیرنفتی است. با توجه به اثرپذیری صادرات نفت از مناسبات و روابط بین‌المللی و در نتیجه، بی‌ثباتی درآمدهای حاصل از فروش نفت، تکیه‌بر این نوع صادرات، آسیب‌پذیری اقتصاد کشور را افزایش می‌دهد و با کوچک‌ترین خللی در روند قیمتی یا مقداری فروش نفت، مشکلات زیادی را برای کشور به دنبال خواهد داشت. از سوی دیگر، رونق صادرات غیرنفتی نیز به‌نوعی به رونق بخش تولید وابسته است. این در حالی بوده که بخش زیادی از تولید کشور به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای وابسته است. به همین دلیل، هرگونه تغییر یا بی‌ثباتی در بازار ارز می‌تواند بر میزان واردات این‌گونه کالاها اثرگذار باشد و به‌تبع، با تحت تأثیر قرار دادن بخش تولید کشور به کاهش یا تضعیف صادرات غیرنفتی کشور منجر شود. در نمودار شماره ۲، سهم ارزش واردات کالاها در سال ۱۳۹۷ به تفکیک آمده است.

نمودار ۲- سهم ارزش واردات طی سال ۱۳۹۷ به تفکیک کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی (درصد)

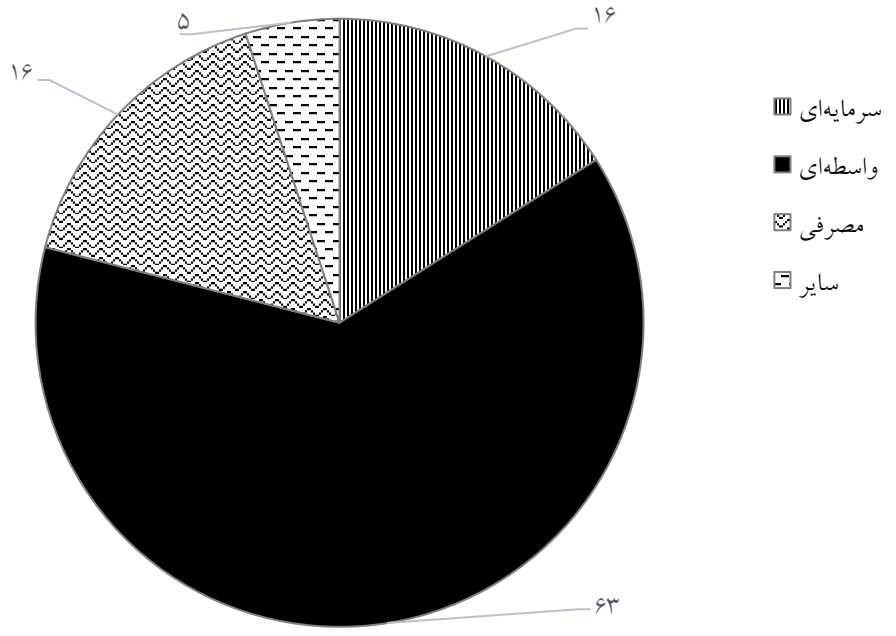

مأخذ: سازمان توسعه تجارت.

همان‌طور که در نمودار شماره ۲، مشاهده می‌شود حدود ۷۹ درصد از ارزش کالاهای وارداتی در کشور در سال ۱۳۹۷، مربوط به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بوده است. بنابراین، با توجه به حجم بالای این‌گونه کالاها در سبد وارداتی کشور، بی‌ثباتی نرخ ارز و نوسانات شدید آن، موجب می‌شود تولیدکنندگان کالاهای مورد نیاز خود را با قیمت‌های بالاتری خریداری کنند که این موضوع به دلیل اثرگذاری بر قیمت تمام‌شده کالاها، قدرت رقابت را در بازارهای داخلی و خارجی از محصولات تولید شده می‌رباید که در نهایت، این موضوع موجب ایجاد رکود در بخش تولید و تعطیلی واحدهای تولیدی و افزایش آمار بیکاری در کشور می‌شود.

۲-۲- افزایش تورم

نگاهی به روند افزایش نرخ ارز و تورم، وجود رابطه‌ای مستقیم بین این دو متغیر را در اقتصاد ایران نشان می‌دهد. افزایش نرخ تورم ناشی از افزایش نرخ ارز که از آن به تورم وارداتی نیز یاد می‌شود، زمانی رخ می‌دهد که قیمت برخی کالاها، به‌خصوص کالاهای واسطه‌ای یا مواد اولیه برای تولید به دلیل برخی عوامل سیاسی یا اقتصادی افزایش یابد. این بی‌ثباتی به افزایش قیمت تمام‌شده محصولات تولیدی و در نهایت، افزایش قیمت کالاها و روند رو به صعود نرخ تورم در کشور منجر می‌شود. این موضوع در نمودار شماره ۳، آمده است.

نمودار ۳- روند نرخ ارز و شاخص قیمت تولیدکننده (ریال)

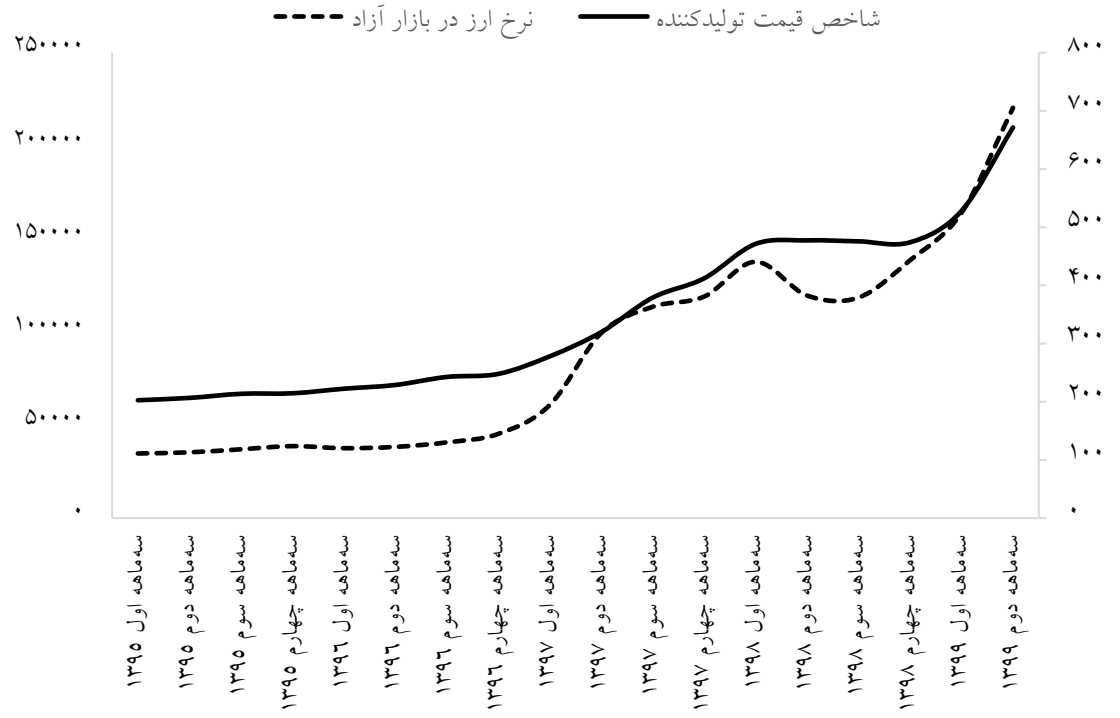

مآخذ: مرکز آمار، بانک مرکزی و شبکه اطلاع‌رسانی طلا، سکه و ارز تهران.

همان‌طور که در نمودار شماره ۳، مشاهده می‌شود، این دو نمودار رفتار بسیار مشابهی با یکدیگر دارند. طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۶ دولت با اتخاذ سیاست‌های ارزی سعی در کاهش نوسانات نرخ ارز و ایجاد ثبات در این بازار را داشت. افزایش شاخص قیمت تولیدکننده نسبت به نرخ ارز را می‌توان ناشی از عوامل داخلی دانست، اما با شروع نوسانات شدید نرخ ارز در سال ۱۳۹۷ شاخص قیمت تولیدکننده نیز دستخوش نوسانات شدید شد که این موضوع می‌تواند ناشی از وابستگی شدید تولیدات داخلی به واردات مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای باشد تا جایی که می‌توان گفت، رشد شاخص قیمت تولیدکننده در سه‌ماهه دوم سال ۱۳۹۷ در مقایسه با سه ماه چهارم ۱۳۹۶ معادل ۲۹ درصد و رشد نرخ ارز نیز در مدت مشابه معادل ۱۲۰ درصد بوده است. این روند افزایشی و پیروی شاخص قیمت تولیدکننده از نرخ ارز تا سه‌ماهه دوم سال ۱۳۹۹ همچنان ادامه داشته تا جایی که در سه‌ماهه دوم سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، شاهد رشد شاخص قیمت تولیدکننده به بیش از ٤٠ درصد و رشد نرخ ارز تا بیش از ٨٤ درصد بوده‌ایم.

این وابستگی باعث می‌شود شاخص قیمت تولیدکننده همبستگی زیادی با نرخ ارز داشته باشد. ازاین‌رو، افزایش شاخص قیمت تولیدکننده به افزایش در قیمت تمام‌شده کالاها و ایجاد تورم در کالاهای تولید داخل منجر می‌شود. این در حالی است که افزایش تورم در کشور موجب کاهش ارزش پول ملی می‌شود و از آنجا که نرخ ارز در کشور باید خود را با نرخ تورم تعدیل کند، دوباره افزایش نرخ ارز به افزایش قیمت کالاها و خدمات منجر می‌شود که در نتیجه آن، شاهد بروز دور باطل نرخ ارز- تورم در کشور خواهیم بود. این افزایش قیمت که در سطحی بالاتر به مصرف‌کننده منتقل می‌شود، رفاه اقتصادی خانوارها را کاهش می‌دهد و با از بین بردن انگیزه سرمایه‌گذاری بین سرمایه‌گذاران، با تضعیف بخش تولید در کشور و کاهش رقابت‌پذیری آن میزان وابستگی اقتصاد کشور را تشدید می‌کند.

تغییرات نرخ ارز از راه‌های مختلف می‌تواند بر بخش تولید کشور اثرگذار باشد. اثر تغییر نرخ ارز بر بخش تولید برآیند اثرات مختلفی است که از دو کانال استفاده از ظرفیت تولیدی موجود و ایجاد ظرفیت جدید تولیدی متوجه این بخش می‌شود.

۲-۳- افزایش پایه پولی

با توجه به تعریف پایه پولی که شامل نسبت اسکناس عرضه شده توسط بانک مرکزی به جمع دارایی‌های داخلی و خارجی بانک مرکزی است و با عنایت به اینکه دارایی‌های بانک مرکزی شامل ذخایر طلا، خالص مطالبات بانک مرکزی از دولت، مطالبات بانک مرکزی از بانک‌های تجاری و خالص دارایی‌های خارجی است، به همین دلیل، انتظار می‌رود، با افزایش نرخ ارز شاهد افزایش ارزش ریالی

دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و در نتیجه، افزایش پایه پولی و در نهایت، تزریق بیشتر اسکناس به بدنه اقتصادی کشور باشیم. تزریق بیشتر اسکناس در کشور توسط بانک مرکزی خود عاملی برای افزایش نرخ تورم در کشور خواهد بود. حال از آنجا که نرخ تورم می‌تواند آثار منفی بر سطح عمومی قیمت‌ها بگذارد، دوباره این افزایش قیمت بر قیمت تمام‌شده کالاها تأثیر می‌گذارد و بر تورم تولیدکننده افزوده می‌شود که در نهایت، شاهد تضعیف قدرت رقابتی تولیدات داخلی در کشور خواهیم بود. بنابراین، می‌توان گفت، افزایش نرخ ارز از کانال افزایش پایه پولی و تشدید نرخ تورم در کشور، ضربه‌پذیری بخش تولید را تشدید می‌کند.

۲-٤- انتظارات تورمی

انتظارات تورمی به معنای پیش‌بینی، انتظار و توقع مردم برای وقوع تورم است. این نوع پیش‌بینی‌ها ممکن است درست یا اشتباه باشد، اما اثر آن از طریق نحوه فعالیت فعالان و تصمیم‌گیران اقتصادی به دولت انتقال می‌یابد. آنچه در اقتصاد ایران قابل مشاهده بوده، نقش بسیار زیاد انتظارات تورمی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در مقدار تورم کشور است. به عبارت دیگر، انتظاری که مردم از تورم در آینده دارند، در رفتار مصرفی و هزینه‌ای آنها تأثیرگذار است. همان‌طور که قبلاً نیز به آن اشاره شد، به دلیل وارداتی بودن کالاهای مصرفی و همچنین وارداتی بودن بخشی از مواد اولیه تولید، قیمت این نوع کالاها به قیمت ارز وابسته است. ازاین‌رو، افزایش قیمت ارز با توجه به اینکه افراد انتظارات تطبیقی را نیز مدنظر دارند با استفاده از تجارب سال‌های قبل، پیش‌بینی افزایش نرخ ارز غیررسمی را در بازار خواهند داشت. به دلایل بیان شده و به‌خصوص در سطح خرده‌فروشی شاهد رشد قیمت‌ها خواهیم بود و از آنجا که ساختار نظارتی دقیقی بر آنها وجود ندارد، شاهد افزایش نرخ تورم در کالاهای مرتبط و غیرمرتبط با ارز خواهیم بود. مصرف‌کنندگان نیز به دلیل وجود انتظار افزایش قیمت‌ها دست به خرید بیش از نیاز یا در برخی موارد احتکار می‌زنند که این عامل نیز احتمال افزایش تورم را دوچندان می‌کند. انجام احتکار توسط مردم علاوه بر ایجاد نارضایتی مردمی، کالاهای مورد نیاز تولید را نیز با مشکل مواجه می‌کند و در نتیجه، شاهد افزایش قیمت تمام‌شده کالاها و کاهش توان تولیدی واحدهای تولیدی در کشور خواهیم بود.

۲-۵- افزایش سفته‌بازی

یکی از مزایای نظام ارزی شناور نبود تفکیک بین نرخ ارز رسمی و غیررسمی است. این در حالی بوده که در اقتصاد ایران به دلیل تفاوت بین نرخ ارز رسمی و غیررسمی و شکاف قیمتی آن، انگیزه سوداگران برای سفته‌بازی افزایش یافته است. از آنجا که این‌گونه بازارها به‌نوعی بازار رقیب برای بخش تولید کشور به شمار می‌آیند، می‌توان گفت، رواج سفته‌بازی در کشور مانع سرمایه‌گذاری دارایی‌ها در فعالیت‌های مولد می‌شود و ازاین‌رو، انتظار ترویج فعالیت‌های غیرمولد را در کشور خواهیم داشت. از سوی دیگر، گسیل منابع ارزی در دست سفته‌بازان موجب می‌شود تولیدکنندگان به

دلیل کافی نبودن منابع ارزی دولتی برای واردات کالاهای اولیه، ناگزیر به تهیه ارز از بازار آزاد شوند که آنها نیز از این نوسانات مستثنا نخواهند بود. به همین دلیل، هزینه‌های تولید افزایش می‌یابد و زمینه بالا رفتن نرخ تورم در کشور فراهم می‌آید که در برخی مواقع موجب تعطیلی واحدهای تولیدی و در نتیجه، تعمیق رکود در کشور می‌شود.

در اقتصادهای درحال‌توسعه میزان اثرگذاری نرخ ارز بر سرمایه‌گذاری و ایجاد ظرفیت‌های جدید تولیدی به میزان وابستگی آنها به کالاهای واسطه‌ای وارداتی بستگی دارد. بنابراین، با توجه به اینکه اقتصاد ایران طی سال‌های متمادی با تحریم‌های بین‌المللی، به‌خصوص تحریم در حوزه واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای مواجه بوده است، ازاین‌رو، کاهش نرخ ارز نمی‌تواند راهگشای ورود کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به کشور باشد.

۳- ملاحظات امنیت اقتصادی

با توجه به شرایط بحرانی اقتصاد کشور، هرگونه عاملی که بتواند به اعمال شوک‌های اقتصادی در کشور منجر شود، با اثرگذاری بر بخش‌های مختلف اقتصادی می‌تواند تبعات اقتصادی و امنیتی زیادی داشته باشد. وجود شوک‌های ارزی ناشی از برخی مناسبات سیاسی و اقتصادی نیز از این قاعده مستثنا نیست. شاید بتوان از مهم‌ترین اثرات شوک‌های ارزی بر امنیت اقتصادی کشور، به موارد زیر اشاره کرد:

- **کاهش رفاه اقتصادی خانوارها:** افزایش بی‌ثباتی در نرخ ارز (با توجه به وابستگی تولید کشور به کالاهای وارداتی) بخش تولید کشور را بیش از هر بخش دیگری متأثر می‌کند. این در حالی است که با افزایش قیمت تمام‌شده کالاهای داخلی شاهد افزایش نرخ تورم در کالاهای مورد نیاز خانوارها خواهیم بود. از آنجا که افزایش نرخ تورم در کشور به کاهش توان اقتصادی خانوارها و کوچک شدن سبد خرید آنها منجر می‌شود، بنابراین، می‌توان گفت، افزایش نرخ ارز از کانال افزایش نرخ تورم تولیدکننده به مصرف‌کننده منتقل و موجب کاهش رفاه اقتصادی افراد می‌شود.
- **نارضایتی عمومی:** نوسانات شدید برخی شاخص‌های اقتصادی از جمله نرخ ارز که موجب تضعیف ارزش پول ملی می‌شود، دارندگان درآمدهای ثابت را بیش از بقیه افراد تحت تأثیر قرار می‌دهد. این افزایش که تبعاتی مانند افزایش تورم و گسترش سفته‌بازی را به دنبال خواهد داشت، از توان اقتصادی افراد یادشده بیش از دیگران خواهد کاست. همچنین وجود برخی سوءمدیریت‌های دولت در بازار ارزی نارضایتی‌های عمومی و گسترده‌ای را در کشور موجب می‌شود که این موضوع علاوه بر موارد بیان شده می‌تواند امنیت اقتصادی و امنیت ملی کشور را تضعیف کند.
- **افزایش شمار بیکاران:** افزایش نرخ ارز از کانال افزایش هزینه‌های تولید کالا، کاهش تقاضای

سرمایه‌گذاری و کاهش تقاضا موجب می‌شود بخش تولید کشور دچار رکود شود و توان ادامه مسیر را نداشته باشد. به همین دلیل، شاهد تعطیلی تعداد زیادی از واحدهای تولیدی و در نتیجه، افزایش شمار بیکاران در کشور خواهیم بود. این در حالی است که افزایش بیکاری در کشور علاوه بر اتلاف منابع، تبعات امنیتی و اقتصادی زیادی را برای کشور به همراه خواهد داشت، به‌طوری که می‌توان گفت، افزایش تعداد بیکاران در جامعه علاوه بر کاهش رفاه اجتماعی مردم، موجب افزایش هزینه‌های مدیریت کشور نیز می‌شود.

- **کاهش امنیت غذایی:** افزایش نرخ ارز به دلیل اثرگذاری بر نرخ تورم، به‌طور مسلم موجب کاهش قدرت خرید افراد متوسط و ضعیف جامعه می‌شود و با کاهش تقاضای مؤثر در کشور، علاوه بر ایجاد رکود اقتصادی در بخش تولید، موجب کاهش توان اقتصادی خانوارها به‌منظور پوشش هزینه‌های مربوط به تهیه غذا و تأمین سلامت خواهد شد. ازاین‌رو، می‌توان گفت، یکی دیگر از تبعات افزایش نرخ ارز در کشور، تهدید امنیت غذایی مردم است.

حدود ۷۹ درصد از ارزش کالاهای وارداتی در کشور در سال ۱۳۹۷، مربوط به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بوده است.

جمع‌بندی و پیشنهادها

با توجه به وابستگی شدید بخش تولید کشور به نرخ ارز، باید گفت، هرگونه بی‌ثباتی و نوسان در نرخ ارز بخش تولید کشور را ضربه‌پذیرتر می‌کند. بررسی انجام شده نشان می‌دهد، وابستگی کشور به درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت موجب شده است هرگونه تغییر در مناسبات بین‌المللی از جمله اعمال تحریم‌های خارجی بتواند علاوه بر کاهش درآمدهای ارزی، مانع دسترسی کشور به ارز حاصل از صادرات این محصول شود. ازاین‌رو، اعمال و تشدید تحریم‌های اقتصادی در سال‌های اخیر توانسته است کشور را به لحاظ ارزی در مضیقه قرار دهد، به‌نحوی که شاهد رشد حدود ۵۳٤ درصدی نرخ ارز در سه‌ماهه دوم سال ۱۳۹۹ در مقایسه با سه‌ماهه اول سال ۱۳۹۵ در کشور هستیم. هرچند برخی سیاست‌های ارزی دولت به‌منظور کنترل این نرخ مؤثر بوده است، اما به دلیل اثرگذاری نوسانات سیاسی داخلی و خارجی بر نرخ ارز، شاهد بی‌ثباتی این نرخ در کشور بوده‌ایم. این در حالی است که صعود نرخ ارز از کانال افزایش قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای (و با توجه به همبستگی شدید نرخ ارز و شاخص قیمت تولیدکننده)، موجب افزایش قیمت تمام‌شده کالاها و ایجاد تورم تولیدکننده و به‌تبع، انتقال این تورم به مصرف‌کننده شده است. بنابراین، می‌توان گفت، افزایش بی‌ثباتی در بازار ارز به دلیل افزایش نرخ تورم، رفاه اقتصادی خانوارها را کاهش داده و همچنین زمینه ایجاد فعالیت‌های سوداگری و سفته‌بازی را در کشور

گسترش داده است و این موضوع امنیت اقتصادی و ملی کشور را تهدید می‌کند. با توجه به اهمیت نرخ ارز در اقتصاد ایران، سیاست‌های زیر برای مدیریت شرایط کنونی و خروج از بحران به‌وجود آمده در بخش ارزی کشور پیشنهاد می‌شود:

- **تعدیل پیوسته نرخ ارز با شاخص‌ها:** دخالت دولت در بازار ارز و ثابت نگه‌داشتن آن طی سال‌های متمادی مانع تعدیل نرخ ارز با شاخص‌های اقتصادی در کشور می‌شود. با توجه به اینکه اقتصاد ایران به‌طور متوسط در سال‌های اخیر تورم ۲۰ درصد را تجربه کرده است، بنابراین، ثبات نرخ ارز در یک نرخ دستوری توسط بانک مرکزی موجب می‌شود تا وقوع یک شوک اقتصادی یا سیاسی نرخ ارز را به یک‌باره دو تا سه برابر افزایش دهد که می‌توان گفت، تبعات تورمی شوک وارد شده در اقتصاد کشور بسیار زیاد خواهد بود، زیرا نرخ ارز پس از اعمال یک شوک تورمی دوباره مدتی طول می‌کشد تا خود را با نرخ تورم تعدیل کند و این دور باطل همچنان ادامه می‌یابد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود با کم کردن نقش بانک مرکزی در تعیین نرخ ارز، نرخ ارز به‌طور پیوسته با شاخص‌های اقتصادی تعدیل شود.

- **مدیریت واردات کالاها به کشور:** افزایش درآمدهای ارزی کشور که در برخی سال‌ها به دلیل افزایش در قیمت نفت صادراتی از رشد چشمگیری برخوردار بوده است موجب شد در برخی از سال‌ها از جمله نیمه دوم سال ۱۳۹۶ و بعد از امضای برجام، واردات کالا به کشور رو به افزایش بگذارد و تراز تجاری کشور افت شدید کند. ازاین‌رو، با الهام از سابقه کشور در این راه پیشنهاد می‌شود دولت با مدیریت در بخش واردات کشور با ایجاد یک انسجام همگانی بین دستگاه‌های متولی (مانند وزارت صمت، گمرک و...) در این حوزه از واردات کالاهای غیرضروری به کشور جلوگیری کند تا علاوه بر تقویت بنیه بخش تولید، هدررفت منابع ارزی در کشور کاهش یابد.

- **فراهم کردن زمینه‌های رونق تولید داخلی:** با توجه به اینکه وابستگی به واردات کالاها به‌رغم برخورداری کشور از فناوری ساخت کالاهای مشابه در داخل موجب کمبود منابع ارزی می‌شود، ازاین‌رو، اجرای برخی سیاست‌ها با هدف رونق تولید داخلی، حمایت از صنایع داخلی، تشویق مردم به مصرف کالاهای ساخت داخل، می‌تواند علاوه بر جبران کمبود منابع ارزی و کاهش وابستگی به فروش نفت موجب افزایش اشتغال کشور و همچنین کاهش تبعات ناشی از بیکاری و تهدیدهای امنیتی برای کشور شود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود دولت به اجرای سیاست‌های حمایتی از بخش تولید به صورت واقعی و شناخت دقیق تولیدکننده‌ها و افزایش نظارت بر عملکرد این واحدها اقدام کند، زیرا برخی حمایت‌ها از بخش تولید در قالب وام، صرف مصارف دیگری شده که اهداف موردنظر را در کشور برآورده نکرده است.

- **کاهش وابستگی به کالاهای وارداتی:** یکی از راه‌هایی که می‌تواند در کاهش وابستگی به درآمدهای ارزی در کشور مؤثر واقع شود، روند رو به افول وابستگی کشور به کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه خارجی است. تقویت توان تولید داخل

از کانال حمایت‌های مالی و همچنین سیاست‌گذاری‌های صحیح در عرصه بخش تولید می‌تواند به رشد تولید کشور و کاهش این‌گونه وابستگی در کشور منجر شود. این حمایت‌ها می‌تواند در قالب معافیت‌های مالیاتی، کاهش نرخ سود بانکی و افزایش تسهیلات همراه با نظارت دقیق در نحوه اجرا باشد.

- **کنترل و مدیریت انتظارات جامعه:** افزایش نرخ تورم در سال‌های اخیر در کشور به‌حدی بوده که قدرت خرید خانوار و در نهایت، رفاه اقتصادی آن را تا حد قابل توجهی کاهش داده است. به همین دلیل، افراد به‌منظور جلوگیری از کاهش قدرت اقتصادی خود سعی در جبران کاهش درآمد واقعی خانوار می‌کنند. این در حالی است که برخی دخالت‌های دولت یا تصویب برخی قوانین و اعمال سیاست‌گذاری‌های نامناسب، با ایجاد اختلال در بازده بازارهای موازی با بازار ارز روند افسارگسیخته نرخ ارز را در کشور تشدید می‌کند و موجب شکل‌گیری انتظارات رو به افزایش نرخ ارز در کشور می‌شود. بنابراین، کاهش دخالت دولت در بازارهای موازی با ارز و در نهایت، اعمال سیاست‌های کنترلی در این بازار موجب کنترل و مدیریت انتظارات جامعه و مانع روند رو به صعود آن می‌شود.

- **مبارزه با سوداگری در بازار ارز:** عدم نظارت و کنترل دقیق در بازار ارز، این بازار را به جولانگاهی برای فعالیت سوداگران تبدیل کرده است. اعمال برخی قوانین کنترلی به‌منظور جلوگیری از فعالیت این افراد و همچنین رصد دقیق عملکرد صرافی‌های فعال در این حوزه می‌تواند تا حد زیادی مانع رشد بی‌رویه قیمت ارز ناشی از فعالیت سفته‌بازان در این حوزه شود.

منابع

اسدپور، احمدعلی (۱۳۹۶). مدیریت اخلاق‌مدارانه نرخ‌ارز و تأثیر سنوات آن بر فعالیت‌های اقتصادی دهه اخیر در ایران (۱۳۸۰-۱۳۹۰). *فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی*، ۷(۲۹)، ۵-۲۲.

فرجی‌راد، عبدالرضا؛ و صالحیان، شهناز (۱۳۹٤). بررسی تأثیر مناسبات سیاسی برگسترش صادرات مواد غیرنفتی در ایران (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

الحسینی، محمدصادق؛ غنی‌نژاد اهری، موسی؛ زمان‌زاده، حمید (۱۳۹۱). *اقتصاد ایران در تنگناهای توسعه*. تهران: نشریه مرکز.